

سود و زیان

عناوین:

آغازنامه
کزیده سخنرانی
صفحه اول
صفحه دوم

آغازنامه

«ما را به سخت جانی خود این گمان نبود»

حیرت زده و انگشت به دهان خیره‌ام به زمان...
دو ده از محرمت می‌گذرد و من باز حیرانم...
سرورم! چگونه هنوز روضه‌هایتان را می‌شنوم و زنده‌ام؟
مگر می‌شود راوی از مقتل بگوید و جانی در تن بماند...
تن؟ آه، مگر می‌شود روضه‌ی تن‌های بی‌سر را شنید و نفس
در گلو گیر نکند؟....

وای از گلو! وای از نفس‌های کم‌جان طفلی کبیر، آن دم که
تیری از سپاه سیاه‌دلان کم می‌کرد...
گویی با هر واژه‌ای که به لب می‌آورم، روضه‌ای مفصل این
قلب را اربا اربا می‌کند؛ اما آقای من! نکند من هم دل را
سیاه کرده‌ام که ندای هل من ناصر تان در گوش‌هایم فرو
نمی‌رود؟

می‌دانم! سرافکنده‌ام، گناهانم مرا زمین‌گیر کرده، پشیمانم؛
اما هنوز امید دارم.
مولا جان! ما دل در گروی شما بسته‌ایم چون می‌دانیم
همان امامی که حر را در لحظه‌ای، از لعن‌های این هزار و
سیصد و هشتاد سال، جدا کرد و به رداي مدح و سلام آراست،
دستان مرا هم خواهد گرفت؛ آخر او رحمت واسعه
خداست...

حال سرورم! باز هم دستان را بگیرد تا این جان ناقابل و
این زندگی را در رکاب شما خرج کنیم.
در ابتدای این ده شب می‌خواهیم عهد ببندیم که در این
نامه پیام‌آور درس‌های مکتب عاشورا باشیم؛
لیک یا حسین...

معامله با خداوند تمام ابعاد حیات اخروی و دنیوی انسان را در بر می‌گیرد و دارای آثاری است از جمله در بُعد شناختی انسان؛ که در محرم گذشته به آن پرداخته شد و در ادامه چکیده‌ای از آن را بیان می‌کنیم. دنیا محل فروش است و همه انسان‌ها در این دنیا متاعی را به فروش می‌رسانند. اهمیت ماجرا در این است که چه متاعی را با چه کسی و با چه قیمتی معامله می‌کنند؛ خدا یا شیطان.

در معامله با خداوند با سه نوع نگاه مواجه هستیم؛ در نگاه اول خداوند بر اساس شوق ورود به بهشت عبادت می‌شود که این عبادت تاجران است. در نگاه دوم عبادت از باب خوف از خدا انجام می‌شود که این عبادت بردگان است. در نگاه سوم و برتر، عبادت از باب شکرگزاری و سپاس از خداوند است که این عبادت احرار و آزادگان است. آنان در ازای معامله با خدا، رضای الهی را از آن خود می‌کنند. معامله با خداوند در شناخت، گرایش و رفتار ما اثر می‌گذارد. اثر شناختی همان یقین است؛ یعنی **یقین بر نوع نگاه ما به خدا، دیگران، طبیعت و نظام عالم تاثیر می‌گذارد.**

یقین در کلام امام رضا(ع) یعنی توکل بر خدا، تسلیم در برابر خدا، راضی بودن به قضای الهی و تفویض امور به خدا. امام رضا(ع) می‌فرمایند: «ایمان یک درجه از اسلام بالاتر، تقوا یک درجه از ایمان بالاتر و یقین یک درجه از تقوا بالاتر است. در میان بندگان کسانی که به مرتبه‌ی یقین می‌رسند اندکند.»

یقین دارای سه مرتبه است؛ علم یقین، اولین و پایه‌ترین مرتبه، عبارت است از یقینی که از علم حاصل می‌شود و آگاهی در ذهن نسبت به شی یا پدیده‌ای است. مرتبه دوم، آن سطحی است که از مشاهده عینی برای انسان حاصل می‌شود. در سومین مرتبه حق یقین، وحدت عالم و معلوم اتفاق می‌افتد. شرط پذیرش قلبی و عقلی آیات، یقین است. اگر یقین نباشد فرد مدام به آیات و دستورات اسلام ایراد وارد می‌کند. در باب اهمیت یقین امام صادق(ع) می‌فرمایند: «عمل دائمی کم همراه یقین بهتر از عمل زیاد بدون یقین است.» اثر شناختی یقین، در طول مسیر، قرارگیری در صراط مستقیم و مشمول نصرت الهی شدن؛ و در انتهای مسیر، کسب حسن عاقبت است.

نسبت انسان‌ها با صراط مستقیم چیست؟

در آیه شش سوره حمد می‌خوانیم ما را به راه راست هدایت کن، راه آن‌هایی که به آن‌ها نعمت دادی؛ پس صراط مستقیم با اعطای نعمت رابطه مستقیمی دارد. صراط گاهی در آیات مشخصاً به خدا، دین الهی، معاد و پیامبر(ص) اطلاق شده است که مصداق تام آن محبت اهل بیت(ع) است. خداوند در طی صراط مستقیم، به ما نصرت عطا می‌کند که دو نوع ایجابی و سلبی دارد. نصرت ایجابی، یاری از جانب خدا و نصرت سلبی، ایجاد مانع از طرف خدا برای عدم تسلط شیطان بر ماست. **شرط کسب یاری خدا، در قرآن اولاً ایمان به خدا و عمل به اقتضائات ایمان، ثانیاً انجام تکالیف الهی و یاری خدا و بندگان اوست.**

نصرت دو نوع عام و خاص دارد؛ نصرت عام، همه را در برمی‌گیرد مثل گسترش دین و نصرت خاص معطوف به فرد یا گروهی خاص است مانند غلبه حضرت موسی بر فرعون. راه مبارزه با شیطان چیست؟ ایمان داشتن، شناخت پیچیدگی وسوسه‌های شیطان، نگرهبانی از خود، توکل به خدا، استعاذه و مبارزه با شیطان با هر وسیله‌ای. آیا حسن عاقبت به قدری مهم است که یقین مقدمه آن باشد؟

بر اساس آیه 8 سوره آل عمران، اگر تمام عمر در مسیر خیر باشیم تضمینی وجود ندارد که عاقبتمان نیز ختم به خیر شود. **عامل اصلی گرفتاری ما در کشاکش عاقبت بخیری چیست؟** حب و وابستگی به دنیا راس هر خطا و بدی است. برای کسب یقین، سخنی از پیامبر اکرم(ص) بیان شده است: «هر کس به آن چه می‌داند عمل کند، خدا آن چه را که نمی‌داند به او می‌آموزد.»

و الحمد لله رب العالمین.

گروه نشریاتی ده شب محرم سال گذشته
زمان مطالعه: سه دقیقه و شش ثانیه

